

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۰ فبروری ۲۰۱۵

به یک یهودی توهین کنید یهودی ستیز هستید

به یک مسلمان توهین کنید مدافع آزادی بیان هستید

به یک روس توهین کنید هوادار جهان بینی لیبرال هستید

این منطق طبقاتی امپریالیسم غرب است

توهین به مقدسات ادیان و برخورد حزب کار ایران (توفان) به آن

۳

ارزشهای غربی در خط مشی رسانه نی و یا دورویی امپریالیستی

در تصاویر زیر نوع برخورد دورویانه را به روشنی شاهد خواهید بود. این دورویی ناشی از نادانی نیست، بلکه آگاهانه و با انگیزه سیاسی و طبقاتی صورت می گیرد. امپریالیسم المان با دخالت آشکار در امور داخلی اوکراین موجب شده که یک حکومت کودتائی توسط نازی ها بر سر کار آید که اوکراین را به خاک و خون کشیده اند. آنها نمایشات نازی ها در کیف پایتخت اوکراین را نمایش مردم اوکراین جا می زنند. همین کار را در المان در مورد جنبش اعتراضی "پگیدا" انجام می دهند که حرکتی به ضد مسلمانها و نه به ضد تروریسم است. تمام دستگاه دولتی المان به مبلغ این حرکت که گویا "قابل فهم" و ناشی از "نگرانیهای محقانه" مردم است بدل شده اند. بر اساس اسنادی که اخیراً منتشر شده روشن است پولیس المان از همان روز نخست تعداد ۵ هزار شرکت کننده در این نمایشات را به دروغ ۱۵ هزار جا می زده تا آنها را از نظر روانی تقویت کنند و پیامی به سایر نیروهای دست راستی باشد که از این "جنبش عظیم" به حمایت برخیزند. تمام دستگاههای تبلیغاتی رسانه های گروهی نیز مردم را با مودیگری به شرکت در مارش نازی ها فرا می خوانند و از رشد فزاینده و "نگرانی های محقانه" مردم که سر منشای این مشارکت است نام می برند. این سبک کار بیان ماهیت ارزشهای است که غرب واقعاً به آنها احترام می گذارد. ارزشهایی که آزادی در بیان دروغ و عوامفریبی را تا سر حد یک فضیلت رسانده است.



تصویر سمت چپ

نازی ها در اوکراین همراه با عکس جاسوس هیتلر در اوکراین که در وهرماخت (ارتش نازی) علیه شوروی جنگیده بود. این عده را رسانه های گروهی "آزادیخواه" ممالک امپریالیستی به نام "اروپائی های دموکرات" معرفی می کنند

تصویر سمت راست

تظاهرات نازی های المان در درسدن که آن را نگرانی مردم از حضور خارجیان مطرح می کنند که باید این احساسات را مورد توجه قرار داد

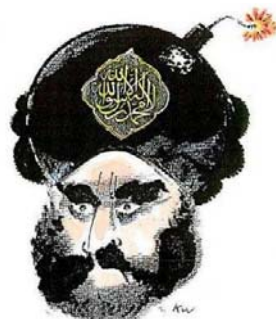
دورویی امپریالیسم المان را که خود را بی طرف و حامی "آزادی بیان" و "آزادی عقیده" به منزله هسته اساسی دموکراسی و ارزشهای غرب جا می زند در این دو تصویر روشن است. یکی مظهر یهودی ستیزی و ممنوع و دیگری مظهر مبارزه با تروریسم و آزاد است. معلوم نیست که چرا برای مبارزه با تروریسم تصاویر ابوبکر البغدادی و یا اسامه بن لادن را نمی اندازند و به حضرت محمد بند کرده اند. آیا این نشانه آن نیست که هدف آنها تنها مسلمانان هستند تا تروریستهای دست پرورده خود آنها؟ تازه بگذریم از این که اکثر قربانیان ترور همه مسلمانان بوده اند و نه غربی ها و مسیحیان.

دولت تروریست اسرائیل که با طوق "من هم شارلی هستم" در "اتحاد مقدس" پاریس گرد آمده بود در حالی که بر اجساد هزاران فلسطینی مبارز در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی گام می گذارد، برای "احترام به آزادی بیان" امر داد تا چند هزار نشریه "شارلی ابد" را در اسرائیل به صورت رایگان توزیع کنند. کار وی با کار سایر مطبوعات دنیای غرب که با پرووکاسیون به تجدید چاپ کاریکاتورهای محمد پرداختند، تفاوتی ندارد و نشان می دهد که نیت همه آنها دفاع از "آزادی بیان" و یا حتی مبارزه با تروریسم هم نیست، بلکه تنها توهین و تحقیر آشکار مذهب خاصی را نشانه گرفته اند و به جنگ فرهنگها و نفرت ملی برای مقاصد شوم سیاسی خویش دامن می زنند.

در قرن نوزدهم تئودور هرتسل بنیانگذار صهیونیسم نوشت: "فلسطین وطن فراموش نشدنی تاریخی ماست. همین نام به تنهایی یک فراخوان جمعی قدرتمند و مؤثر برای جلب ملت ما خواهد بود. حضور ما در اینجا برای اروپا، بخشی از سد مقابل آسیا می باشد. ما باید به عنوان جلوداران تمدن در برابر بربریت انجام وظیفه کنیم". این آئین صهیونیسم دولتی در اسرائیل است و بر این اساس هم همیشه عمل کرده و می کند.



سمت چپ: یهودی ستیزی



سمت راست: آزادی بیان عقیده

هولوکاست و نازیسم

نازیسم عقیده نیست یک باند جنایتکارانه برای نسل کشی است. ولی در المان این تشکل جنایتکار آزادانه فعال است و از حق آزادی بیان برخوردار می باشد تا تئوری های ضد بشری خود را تبلیغ کند. آنها با استناد به حق آزادی بیان به انکار هولوکاست پرداخته و آدمکشی هیتلر را منکر می شوند. ولی روشن است که هدف آنها از این کار تبرئه هیتلر و نگارش کذب تاریخ بشریت است و به "آزادی بیان" ربطی ندارد. اما طبقه حاکمه المان انکار هولوکاست را جرم محسوب کرده و حد و مرز و حرام حالی بر دور و بر این حق قایل می شود. پس در اینجا نیز روشن است که "آزادی بیان" حرام و حلال داشته و جنبه مطلق ندارد و چنین نیست که توهین به اعتقادات مسلمانان را به بهانه مبارزه علیه تروریسم که ربطی به اکثریت شکننده مسلمانان ندارد، به مفهوم احترام به ارزش "خداشه ناپذیر" دنیای غرب جا بزنند. ظاهراً ادعای مطلق بودن "آزادی بیان" از جانب وکلای مدافع آن، فقط وقتی اعتبار دارد که با نیت توهین به مسلمانان و نه تروریستها انجام می گیرد. آیا این ریاکاری نیست؟. قوه قضائیه و مجریه المان چهارچشمی مواظبنند که کسی از این حد و مرز تعیین شده پایش را به بیرون نگذارد.

حمایت از حیوانات و اتهام یهودی ستیزی

در سال ۲۰۰۳ سازمان حمایت از حیوانات "پتا" (Peta: People for the Ethical Treatment of Animals) اردوگاههای اسرای نازی ها را با محل نگهداری انبوه حیوانات در مکانهای سر بسته مقایسه کرد. فوراً جلوی این گونه تبلیغات را در المان گرفتند و اظهار داشتند استفاده از رنج و مرگ به نیت راه انداختن کارزار تبلیغاتی منطبق بر آزادی عقیده نیست. تبلیغات آنها با فشار لابی صهیونیسم قدغن شد. در اتریش ولی نتیجه باب میل یهودیان از کار در نیامد. یهودیان نسبت به انتشار این پلاکادهای تبلیغاتی شکایت کردند. آنها را نشانه یهودی ستیزی جلوه دادند. تنها در مرحله نهائی دادگاه، حکم ممنوعیت این گونه تبلیغات ملغی شد و سازمان "پتا" تبرئه گردید. ولی در مورد شبیه آن در سوئیس آقای دکتر "اروین کسلر" (Erwin Kessler) رئیس "انجمن به ضد کارخانه های حیوانات" را به ۴۵ روز زندان محکوم کردند که سالها بعد از وی اعاده حیثیت نمودند.



در این تصاویر اسرای بازداشتگاههای نازی ها با محفوظ نگهداشتن حیوانات در مکانهای سر بسته مقایسه شده است

تشویق به تروریسم و آدمکشی آزادی بیان جنایتکاران است

خانم "آیلت شاکد" عضو مجلس نمایندگان صهیونیستی اسرائیل است. آدم عادی نیست. تحصیل کرده است و از دانشگاه در رشته مهندسی کامپیوتر فارغ التحصیل شده است. وی عضو حزب راست‌گرای افراطی که حزبی فاشیستی است به نام "خانه یهود" می باشد. نتانیاهو در کنار این خانم محبوب و بی آزار حکم "چپ افراطی" را دارد. وی در صفحه فیس بوک خود نوشته است: "پشت هر تروریستی ده‌ها مرد و زن ایستاده‌اند که بدون آنها، تروریست نمی‌تواند به اعمال تروریستی دست بزند. همه آنها رزمندگان دشمن هستند و ریختن خونشان حلال است. این امر طبیعتاً شامل مادران شهداء هم می‌شود که آنها را با گل و بوسه به جهنم فرستادند. این مادران هم باید راه پسرانشان را بروند، هیچ چیزی از این عادلانه‌تر نیست. آنها باید بروند، همانطور که خانه‌هایی که در آن مار پرورانه‌اند باید بروند. در غیر این صورت، مارهای کوچک دیگری در آنجا رشد خواهند کرد



در اسرائیل صهیونیستها راه می روند و در توثیت های خود می نویسند: "مرگ بر خواجه های عرب"، "ای کاش همه شما عرب ها فلج شوید و با رنج زیاد بمیرید"، "مرگ بر عربهای جاکش". آیا این سخنان و تبلیغات ربطی به "آزادی بیان" دارد. هرگز! فقط به نفرت ملی و تمایلات زشت و حقیرانه نژادی دامن زده و ضد بشری و تروریسم محض است. این تبلیغات برای توجیه اشغال فاشیستی خلق شده است. ولی این خانم تروریست محض به نمایندگی بخشی از صهیونیستها به کنست اسرائیل راه پیدا کرده و خطر این که نقش تعیین کننده در انتخابات آینده اسرائیل بازی کند، منتفی نیست. آیا تبلیغات این سیاست و شست و شوی مغزی که به مردم در اسرائیل می دهند جنایتکارانه نیست؟ آیا این سخنان تروریسم محض و تشویق به آدمکشی نیست؟ آیا این تحریص و تشویق به قتل نباید مجازات شود و مورد پیگرد قرار گیرد؟ ولی همه آنها که "شارلی ابدو" هستند و از جمله خانم "آیلت شاکد" در مورد این نقض آشکار حقوق انسانها سکوت اختیار می کنند. نتانیاهو در پاریس به ضد تروریسم رژه می رود و مدعی است من "شارلی ابدو" هستم. همه این "دموکراتها" حق آزادی بیان آدمکشی را برای این خانم نماینده در کنست اسرائیل محترم می شمارند و "ارزش غربی" به حساب می آورند.

تحریم امپریالیستی ایران و نقض آزادی بیان

شما می توانید این سیاست امپریالیستی را در همه زمینه ها ببینید. کسانی که توسط ماهواره می توانستند اخبار ایران و جهان را تعقیب کنند شاهد هستند که اخبار ایران را باید به اخبار خارجی و اخبار داخلی تقسیم کرد. رژیم جمهوری اسلامی برای فریب مردم در ایران برای کتمان دزدیهای آخوندها و مقامات مسؤول از طریق جعل اخبار و یا نظارت بلاواسطه بر آنها مانع می شد که مردم به اوضاع واقعی کشور ما پی ببرند. جعل اخبار در مورد اوضاع داخلی ایران پرده ساتری بر فقر و نیازهای مردم ایران بود. هرگز اخبار داخلی به وضعیت زحمتکشان و اعتراضات آنان و سرکوب اتحادیه های کارگری و یا فعالان کارگری و حقوق بشر در ایران توجه نمی کرد و به

آنها پوششهای لازم را نمی داد. البته از یک رژیم سرکوبگر بیش از این هم نباید انتظار داشت. در عرصه خارجی ولی اخبار ایران به مراتب واقعیه تر و قابل استنادتر از دروغهای ممالک امپریالیستی بود و دست آنها از سیاستهای تجاوزکارانه به اقصی نقاط جهان باز می کرد. ایران در عرصه افشاء صهیونیسم در جهان پیشتاز بود. همین امر مانند خاری به بدن صهیونیسم و امپریالیسم فرو می رفت این بود که جلوی پخش اخبار ایران را در خارج گرفتند. طبیعی است که این سیاست با ادعاهای آنان در مورد کارزار حمایت از "آزادی بیان" مغایرت کامل دارد ولی آنها نقض آزادی بیان را با نقض حقوق ملل توجیه می کنند. دولت فرانسه که کانالهایی از ماهواره مربوطه را به ایران اجاره داده بود، به دروغ ادعا شد که در کادر تحریمهای اقتصادی به این اقدام دست زده است. پرسش این است که تحریمهای اقتصادی چه ربطی به پخش اخبار ایران برای جهانیان دارد و دوم این که خود این تحریمها ضد منشور ملل متحد و غیر قانونی و ضد بشری است.

ماجرای خواندنی و مضحک برلینر سایتونگ

حرفه خبرنگاری ظاهراً باید مستقل بوده و مردم را نسبت به رخدادها و مسایل پشت پرده آنها آگاه سازد. خود بورژوازی از آن برای عوامفریبی به عنوان ستون چهارم تفکیک قواء و ناظر بر اجرای صحیح دموکراسی نام می برد. البته این تئوری ها بر روی صفحه کاغذ کاربرد زیبایی دارد، ولی اگر شما روزنامه نگاران را بخريد و يا با تهديد آنها را به تسليم وادشته و به محاصره اقتصادی بکشانيد و يا تمام اداراه و دستگاه چاپ آن را همراه با آدمهايش بخريد و در انحصار خود گرفته و مهار ثروت را بر گردنش بیفکنيد، آنوقت قلم به دستان این نشریه های به ظاهر "آزاد" فقط در خدمت توجیه و مصونیت نظام سرمایه داری قلم زده، سیاه را سفید جلوه می دهند. جعل اخبار و دروغبافی به کار عمده آنها بدل می شود. شما وقتی روزنامه برلینر سایتونگ را می خوانيد که به خاطر درج یک کاریکاتور اشتباهی به عجز و لابه دچار آمده است و آنهم روزنامه ای که مدعی بود "آزادی بیان" حد و مرز ندارد و ما اجازه نمی دهيم با عملیات تروریستی در پاریس ارزشهای غربی نابود شده و زبان کسی بسته شود و با الهام از این روحیه به تجدید درج کاریکاتورهای "شارلی ابدو" دست می زنيم، تصور می کنيد با یک شوخی روبه رو هستيد و يا با یک روزنامه فکاهی و طنز سر و کار داريد. ولی با دقت بیشتر به یکباره می بينيد که در مقابل این همه قسمهای حضرت عباس ناگهان این حامیان "آزادی بیان" به حذف کاریکاتورهای ناخوشایند دست می زند که گویا این اقدامش نیز در تکمیل اقدامات قبل و نه در تناقض با آنهاست. این اقدام ناخواسته آنها موجب شده که دم خروس بزند بیرون و کسی قسم های حضرت عباس آنها را باور نکند.

Berliner Zeitung

<http://www.berliner-zeitung.de/medien/erklarung-der-berliner-zeitung-entschuldigung-fuer-abdruck-einer-falschen-karikatur,10809188,29576020.html>



تصویر روزنامه "برلینر سایتونگ" مورخ ۸ ژانویه ۲۰۱۵ که با ۵ کاریکاتور منتشر شده است. ردیف پائین کاریکاتور سوم از دست راست همان کاریکاتور به اشتباه چاپ شده است که این روزنامه نام "جعلی" به آن داده است!!!؟

روزنامه برلین در شماره ۸ جنوری ۲۰۱۵ خود ۵ عدد کاریکاتور منتشر کرد که در فیس بوک این نشریه نیز بازتاب یافت. همراه این ۵ کاریکاتور که بخشی توهین به مقدسات مسلمانان است کاریکاتوری هم از پاپ اعظم است که باید نشانگر بی طرفی نشریه در برخورد به همه ادیان باشد. ولی همه می دانند که ارزش و مقام پاپ و یا همه پاپ ها نه با حضرت عیسی، نه موسی و نه حضرت محمد قابل قیاس است. در حداکثر خود پاپ را می شود با آیت الله سیستانی و یا بروجردی در میان شیعیان مقایسه کرد که خود آنها نیز خودشان را معصوم نمی دانند. ترسیم کاریکاتوری از پاپ اعظم و تمسخر وی بعد از پیدا شدن خبر چینی دردستگاه وی و انتشار این کاریکاتور بی ضرر در باره دربار واتیکان، صرفاً برای رد گم کردن و بی طرف جلوه دادن سایر کاریکاتورهای جانبگیرانه ضد اقلیت مسلمان در اروپا و مسلمانان در جهان به طور کلی است. در میان این کاریکاتورها کاریکاتوری هم دست بر قضا و به زعم مؤمنان با "دست خدا" راه یافته که موجبات شرمساری و برملا کردن دورویی این مدافعان آزادی بیان شده است. این کاریکاتور که رد افشاء صهیونیستهاست و در اثر بی توجهی و در گرماگرم حمله به مسلمانان و تبلیغات ضد خارجی و نژادپرستانه از دست هیأت تحریر در رفته متعلق به "جو لاکوربیو" Joe Lecorbeau است که خود روزنامه برلین آن را یهودی ستیز ارزیابی کرده و برای حفظ اصالت "آزادی بیان" از انتشارات خویش در فردای آنروز با عرض هزاربار پوزش و چاپلوسی برای صهیونیستها از صفحه خود حذف کرده و یک کاریکاتور دیگری به ضد پیامبر مسلمانان را به آن اضافه کرده است. آیا این بازیگری ها و جعلیات و کلاهبرداری های سیاسی ربطی به آزادی بیان دارد؟ آنها در توضیح اشتباه خود می نویسند:

Es handelt sich um einen äußerst bedauernswerten Fehler, den wir am Tag der "Terroranschläge von Paris gemacht haben. Die Karikatur erschien auf unserer ersten Seite neben mehreren anderen religionskritischen Karikaturen der Satirezeitschrift (LINK) „Charlie Hebdo“.

"مسأله مربوط می شود به یک اشتباه فوق العاده تأسف آور که ما در روز تهاجمات تروریستی در پاریس انجام دادیم. این کاریکاتور در صفحه اول ما در کنار بسیاری دیگر از کاریکاتورهای منتقدانه مذهبی نشریه طنز "شارلی ابدو" منتشر شد".

در زیر شما می توانید کاریکاتور "جعلی" را که بیشتر افشاءگرانه و به ضد صهیونیستهای اسرائیلی هست ببینید. بابت چاپ اشتباهی این کاریکاتور که آنرا معلوم نیست به چه جهت "جعلی" می خواند چندین بار پوزش طلبیده است. آیا این کاریکاتور "توهینی" که به یهودیان روا داشته سنگین تر از توهینی است که به پیامبر مسلمانان روا می دارد؟ خاخام یهودی کجا و پیغمبر مسلمانان کجا. خاخام یهودی را تنها می شود با آخوندها و شیخان و حجت الاسلامها مقایسه کرد. چرا باید برای چاپ تصویر یک خاخام یهودی که ماهیت صهیونیستی خودش را برملا می سازد و سخنان نتانیاهو را بر زبان دارد به عنوان توهین به یهودیان حذف کرد ولی هر گونه توهینی در پرتو حمایت از "آزادی بیان" به مسلمانان رواست؟



یهودی ستیزی

آزادی مطبوعات

۱۰۰ ضربه شلاق اگر شما از خنده غش نکنید یک میلیون تخفیف در مبادله با شش فلسطینی

حقیقت این است که روزنامه برلین نه در اثر اشتباه بلکه در تأیید نظریه برخورد بی طرفانه به همه ادیان، این کاریکاتور را چاپ کرده است. ولی این نشریه وابسته به بنگاه مطبوعاتی "دومان شابرگر" (DuMont Schauberg) است که یک غول رسانه ای است. فقط فشار از مقامات بالا و سیاست روز تعیین می کند که چه چیز در مطبوعات باید منتشر شده و چه چیز نباید منتشر شود. مطبوعات و رسانه های گروهی در دنیای امپریالیسم برای آگاهی بخشیدن نیستند برای شست و شوی مغزی هستند.

کارزار تبلیغاتی سیاسی و یا دفاع از "آزادی بیان"

آیا طنز بدون مرز است و مجاز است که به زبان نیش و تیزگوئی و بزرگنمایی به انتقاد از مسایل اجتماعی و افراد و نظریات بپردازد. طبیعتاً نمی توان مانع بیان طنز شد که بیان روشن و دقیق و هدفمندش به نفع اجتماع خواهد بود. ولی صحبت بر سر این است که چه چیز طنز است و آیا می شود توهین را نیز به جای طنز قالب کرد. آیا آزادی بیان طنز به کسی این مشروعیت را می دهد توهین را رواج دهد. طنز هم جنبه شوخی و تیزبینی و برجسته کردن نقاط ضعف را دارد و هم جنبه انتقادی برای اصلاح و یا افشاءگری در مسایل اجتماعی. ولی توهین جنبه انتقادی و شوخی ندارد. فحاشی و دروغگوئی دیگر طنز نیست توهین است. در اینجا مدعیان حمایت از "آزادی بیان" با سلیلی از هجویات در مورد مقدسات مسلمانان که در حجم و مقدارش خود مشکوک می نماید و به خوراک روزانه مردم بدل شده است وضعیتی ایجاد کرده اند که مشتاق فریب خورده، کشتار مردم نوار غزه را تنها به این عنوان که هواداران حماس و یا حزب الله هستند، نادیده می گیرند. اگر هر روز و هر شب قبل از صبحانه و نهار و شام رسانه های گروهی به نوبت مغزهای مردم را با تحریک علیه مسلمانان پر کنند و زبان گزنده ای برای جریحه دار کردن احساسات عمومی برگزینند و همه مسایل و مشکلات اجتماعی را چون آواری بر سر آنها خراب کنند، دیگر از طنز

نمی توان سخن راند، از یک ستراتیژی ضد خارجی و تحریک برای کشتار اقلیتها و نسل کشی می توان سخن گفت. ما با این نمونه های فاشیستی در شهرهای فراوان المان روبه رو بوده ایم که دهها خانواده خارجی را نازی ها آتش زدند. هم اکنون دادگاهی نمایشی در مونیخ در جریان است که کشتار خارجیان را در ده سال گذشته توسط باند نازی ها "ان. اس. او" (NSU) مورد بررسی قرار می دهد. آیا این آدمکشی ها محصول این "طنزها" نیست؟ این تأثیرات "طنز" بهترین سند است که گویای ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی و تحریک علیه ملتها و اقلیتهای ملی و مذهبی است. همین کار را در گذشته به عنوان طنز با یهودیان کردند و امروز آن قربانیان دیروز خود با الهام از آن روشهای فاشیستی، همان بلا را امروز بر سر مسلمانان و فردا بر سر سایر اقلیتها در ممالک خود آورده و قتل عام مردم مسلمان در فلسطین، در عراق، افغانستان، لیبیا، سوریه، لبنان و فردا ایران را زیر لوای دفاع از "آزادی بیان"، "تمدن"، "ارزشهای اروپائی" به خاطر منافع ستراتیژیک که در پیش دارند، توجیه می کنند.

در زیر به تصویری که "شارلی ابدو" بعد از ترور کارمندانش منتشر کرده است و به فارسی هم توسط جماعتی سر از پا نشناخته برگردان شده توجه کنید. زحمتکشان بنگله دیش که در تحت فشار سرمایه های جهانی در بدترین و غیر انسانی ترین وضعی زندگی می کنند و هر چندی به خاطر کمبود امکانات ایمنی در آتش می سوزند و خود قربانی تروریسم اقتصادی و سیاسی دول تروریستی هستند، مشغول دوختن البسه سیاه رنگی می باشند که بر روی آن نوشته اند "من هم شارلی هستم" و همزمان با تمسخر می گویند که "خیلی با شما همدردیم ها" و تا بناگوش می خندند و خوشحالند. آیا این طنز است یا تحریک علیه میلیونها زحمتکش مسلمان بنگله دیشی تا سرکوب و غارت آنها توسط انحصارهای امپریالیستی توجیه گردد. آتش گرفتن آنها بی اهمیت جلوه داده شود و به جای ایجاد احساس همدردی مردم فرانسه با آنها و تحت فشار قرار دادن انحصارات پوشاک در جهان که به ضوابط و مقررات انسانی پایبند بمانند، موجی از نفرت و شقاوت نسبت به زحمتکشان بنگله دیش ایجاد کنند. این تصویر طنز نیست ایجاد نفرت نسبت به ملتهاست و طبیعتاً به خشونت منجر می شود.



امروز لشگر کشی سران در پاریس توسط دولتهای تروریستی و همراه با آن گُر دستجمعی مطبوعات انحصارات امپریالیستی در دفاع از "آزادی بیان عقیده" که خودشان از تبلیغ و بیان آزاد آن پرهیز می کنند، جنبه دموکراتیک ندارد، یک موج ضد دموکراتیک برای بستن همه دهانها و سرکوب ملتهای جهان است. این مطبوعات "آزاد" کجا بودند و یاهستند زمانی که در مورد لیبیا، ایران، سوریه، جنبش آزادیبخش فلسطین، حماس، حزب الله لبنان، ونزوئلا، بولیوی، کوبا، کوریای شمالی، اوکراین، مکزیک، ارجنتاین و... فقط و فقط دروغ پخش می شود. این رسانه های گروهی به آزادی و بیان عقاید به طور آزاد تعهد و تقیدی ندارند و نداشته اند. خبرنگارانی که از حقایق دفاع می کنند فوراً اخراج می شوند. این هوچی گری کنونی آنها که در این لشگرکشی نژادپرستانه شرکت کرده اند

فقط ضد ملت‌ها و اقلیت‌ها و برای سرکوب برونی و درونی است و البته مانند همیشه "چپ" های لیبرال که هیچ وقت درکی از مبارزه طبقاتی نداشته و دشمن های بشریت را نمی شناسند در پای رکاب آنها راه افتاده و برایشان دست می زنند. ملت‌های جهان ولی این دو روئی و نه فقط دوگانگی را می فهمند و می شناسند. آنها فرق میان اشغالگران، تجاوزگران و دوستداران آزادی را تشخیص می دهند همانگونه که ما ایرانی ها حافظ، خیام و عبید زاکانی و ایرج میرزا را داریم که با شکاکیت می سرایند و مقدسات مردم را با ماهیت دستاربندان در یک خمره نمی ریزند.



ضد مسلمانان "یک خانواده بزرگ اروپای متحد برای تأمین صلح"

"اتحاد نا مقدس" "قدسین" آزادی و دموکراسی در پاریس علیه مسلمانان جهان به بهانه مبارزه علیه تروریسم در اروپا با این سیاست سازمان داده شده "طنز"، وضعیتی را به وجود آورده اند که مسلمانان به مردم درجه دو در این کشورها بدل شده اند. توهین و تحقیر آنها در دستور روز قرار دارد. تحریک احساسات عمومی طوری است که با تیراژ ۷ میلیونی، میلیون‌ها یورو به جیب خانواده بانکدار روتشیلد می ریزند و به تحریک و ایجاد نفرت به ضد مسلمانان ادامه می دهند. به سایتهای فیس بوک مراجعه کنید می بینید برخی فریب خورده و نادان و برخی مأموران سازمانهای جاسوسی غرب و به ویژه اسرائیل چگونه همین تبلیغات را در یک عرصه دیگر با روش توهین آمیزتری ادامه می دهند. این سایتهای مورد حمایت سازمانهای جاسوسی و کشورهای امپریالیستی اند و عجیب آن که مرتب فعالند و به مأموریت روزانه و شیفتی خود عمل می کنند. به یک نمونه از این تحریکات توجه کنید:



خیر! آزادی ما را نمی توانید به قتل برسانید

هشدار این تصویر اعلان جنگ با تروریست‌هاست و یا با مردم مسلمان جهان

ادامه دارد